

پاسخنامه کارگاه متن پژوهی درس دوازدهم « رستم و اشکبوس » سال دهم

قلمرو زبانی

- ۱- شکل مرتب شده : رهام با خود و گبر تیز بشد.گرد رزم به ابر اندر همی آمد.
نثر ساده: رهام با کلاه و زره جنگی به سرعت وارد میدان شدو گرد و غبار بسیاری به آسمان بلند شد .
- ۲- گرز (معنا) :نوعی وسیله جنگی قدیمی دارای دسته ای که سر آن گرد و بزرگ بود .
گرز (شبکه معنایی): تیغ ، کمند ، کمان ، تیر ، گبر ، ترک
کیوان (معنا): سیاره زحل
کیوان (شبکه معنایی): بهرام ، سپهر ، آسمان ، تیر ، عطار
- ۳- به رستم بر ، آنگه بیارید تیر (به و بر دو حرف اضافه ، رستم متمم)
به بند کمر بر ، بزد تیر چند (به و بر دو حرف اضافه ، بند متمم)
- ۴- سلاح می شود سلیح مزاح می شود مزیح

قلمرو ادبی

- ۱ – عنان را گران کردن (کنایه) از متوقف کردن اسب
سر هم نبرد به گرد آوردن (کنایه) از شکست دادن ، نابودکردن
- ۲- بیت های ۵ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۲۱ ، ۲۲
- ۳- همه تیغ و ساعد زخون بود، لعل
خروشان دل خاک ، در زیر نعل
در مصرع دوم اغراق از شدت جنگ
نماند ایچ با روی خورشید رنگ
در مصرع اول اغراق از شدت گرد و غبار
- ۴ – بیت های ۱۹ ، ۲۱ ، ۳۱

قلمرو فکری

- ۱- برای این که رهام از اشکبوس شکست خورد و فرار کرد .
- ۲ – رستم قصد داشت که قدرتش را به اشکبوس نشان دهد و در حقیقت او را تحقیر کند و اسب را از او بگیرد .
- ۳ – جنگاور بودن ، بی باکی ، مهارت در تیراندازی
- ۴ – دلیری ، افتخار به فرهنگ ملی ، مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن و تسلیم نشدن در برابر آنها.

پاسخنامه کارگاه متن پژوهی درس سیزدهم « گردآفرید » سال دهم

قلمرو زبانی

- ۱- معنی بر کشیدن : ۱- بیرون آوردن ، ۲- بالا کشیدن چیزی ، ۳- تربیت کردن
- ۲- واژه‌های « عنان » و « کمند » با فتراک تناسب دارند .
- ۳- اسب ← اسب
- ۴- در بیت اول « چو » به معنی وقتی که و زمانی که، حرف ربط است.
در بیت بیست و سوم « چو » به معنی مثل و مانند، حرف اضافه است.
- ۵- در بیت دوازدهم « به سهراب بر » و در بیت بیست و دوم « به تنگ اندر » و در بیت سی و سوم « به ابر اندر » .

قلمرو ادبی

- ۱- بیت ۶ ← شیر و زیر ، بیت ۷ ← گرد و کرد ، بیت ۱۳ ← ننگ و جنگ ،
بیت ۲۳ ← موی و روی ، بیت ۴۱ ← رنگ و ننگ ، بیت ۴۳ ← زین و چین
- ۲- سپهبد، عنان ، اژدها را سپرد ← کنایه از اسب را رها کرد
رخ نامور، سوی توران کنی ← کنایه از به سرزمین توران برگردی.
- ۳- نباشی بس ایمن من به بازوی خویش « خورد گاو نادان، زیهلوی خویش »
همانطور که گاو نادان با خوردن آب و علف بسیار خود را چاق می‌کند تا او را بکشند، گاهی انسان با غرور و نادانی خویش سبب نابودی خود می‌شود.

دشمن طاووس آمد پر او ای بسی شه را بکشته فر او
گفت: من آن آهوم کز ناف من ریخت این صیاد، خون صاف من

قلمرو فکری

- ۱- دلیل این دردمندی صدمه دیدن و شکست گردآفرید و هجیر از سهراب بود.
 - ۲- معنی: وقتی گردآفرید، شایسته جنگیدن با سهراب نبود و توان مقابله با او را نداشت، از جنگ با سهراب منصرف شد و عقب نشینی کرد.
مفهوم : هم سطح نبودن قدرت دو پهلوان و عقب نشینی گردآفرید تاکید شده است.
 - ۳- باهوش و زیرک ، نفرت از شکست و خواری ، معروف و مشهور بودن ، مهارت در تیر اندازی و جنگ آور و پهلوان
 - ۴- هر دو متن به صورت داستان بیان شده‌اند و در هر دو زمینه داستانی وجود دارد. درس گردآفرید به صورت نظم اما درس شیرزنان به صورت نثر است.
- ویژگی قهرمانی : در شعر فردوسی « گردآفرید » و در متن « شیرزنان » شخصیت‌های زن به عنوان قهرمانان داستان هستند.
- ویژگی قومی و ملی: در هر دو داستان دفاع از میهن و مبارزه برای حفظ ارزش‌های ملی و میهنی است.

پاسخنامه کارگاه متن پژوهی درس چهاردهم «طوطی و بقال» سال دهم

قلمرو زبانی

- ۱- ابر: میغ ، آسوده: فارغ ، چیره دست: حاذق ، مردان کامل: ابدال
- ۲- «را» در مصرع اول به معنی «به» حرف اضافه و در مصرع دوم نشانه مفعولی است.
- ۳- «سوداگر» در گذشته در معنی لغوی «مشتري و خریدار و فروشنده» کاربرد داشته اما امروزه با بار منفی به کار می رود به معنی واسطه گران خرید و فروش جهت افزایش قیمت و سود بیشتر که باعث فساد اقتصادی می شوند.
- ۴- پسوند «وش» به معنی شباهت، مثل و مانند است. واژه های دیگر مثل: ۱- مهوش ۲- شیروش

قلمرو ادبی

- ۱- ریش برکندن ← کنایه از ناراحت شدن ، زیر ابر رفتن آفتاب ← کنایه از پنهان شدن و از بین رفتن نعمت
- ۲- مولوی در این شعر از تمثیل استفاده کرده تا به خواننده بگوید که از قضاوت شتابزده باید پرهیز کرد و طوطی نماد انسان های ظاهر بین است.

- ۳- در بیت ۶ ، چرب و ضرب (جناس ناهمسان) ، در بیت ۱۷ ، شیر و شیر (جناس تام)
- در بیت ۲۰ ، آب و ناب (جناس ناهمسان) ، در بیت ۲۳ ، هست و دست (جناس ناهمسان)

قلمرو فکری

- ۱- شبیه بودن دو چیز از نظر ظاهر دلیل بر یکسانی آن ها نیست پس نباید پدیده ها را بر اساس معیار ظاهری باهم مقایسه کرد و بر اساس ظاهرشان قضاوت کرد.
- ۲- الف) مقصود از ابدال، اولیای حق و مردان کامل است.
ب) علت گمراهی به خاطر سطحی نگری و مقایسه نادرست است که مردم جهان گرفتار آن شده اند؛ یعنی نباید بدون درک و آگاهی و بر اساس ظاهر دو چیز را باهم مقایسه کنیم و قضاوت شتابزده کنیم.
- ۳- مولوی انسان ها را از قضاوت ظاهری بر حذر می دارد و می گوید نباید فریب ظاهر را خورد زیرا انسان های ریاکار بسیاری هستند که ظاهری پسندیده دارند.

پاسخنامه کارگاه متن پژوهی درس شانزدهم « خسرو » سال دهم

قلمرو زبانی

- ۱- معادل معنایی قضا : سرنوشت ، هم آوا قضا : غزا (جنگ)
معادل معنایی مغلوب : شکست خورده ، هم آوا مغلوب : مقلوب (دگرگون شده)
۲- ارتجالاً" ، تقریر ، نصاب الصبّیان ، غالب ، طمانینه ، مالوف ، عتاب ، مخذول
۳- جمله‌های ساده :

- الف (در آن زمان کلمات دبستان و برزن مانند امروز متداول نبود.
ب) حرام از یک کف دست کاغذ و یک بند انگشت مداد که خسرو به مدرسه بیاورد.
جمله‌های مرکب :
الف (فقط مادر بزرگ او بود که نوه پسریش را از جان و دل دوست می‌داشت.
ب) از این ملاقات چند روزی نگذشت که خسرو در گوشه‌ای زیر پلاسی مندرس بی سر و صدا جان سپرد.
۴- الف (« م - م » در دیدنم نقش متمم دارد (دیگر طاقت دیدن برای من نماند)
ب (« ت - ت » در یابدت نقش مضاف الیه دارد (که جان تو زان خورش پرورش یابد)

قلمرو ادبی

- ۱- باب دندان بودن ← کنایه از مطابق میل بودن ، سپر انداختن ← کنایه از تسلیم شدن است
مرد میدان بودن ← کنایه از قدرت و توانایی انجام کاری را داشتن
لنگ بودن کمیت ← کنایه از ناتوان بودن در کار
۲- یکی از خروسان، ضربتی سخت بر دیده حریف نواخت به صد متی که « جهان، تیره شد پیش آن نامدار »
بزد راست بر چشم اسفندیار جهان، تیره شد پیش آن نامدار
۳- دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال

قلمرو فکری

- ۱- مفهوم مشترک متن درس و این دو بیت سنایی این است که همنشینی با افراد بد بر روی اخلاق و زندگی آن‌ها تاثیر می‌گذارد، پس باید از همنشینی با بدان دوری کرد زیرا اگر انسان پاک و درست‌کاری باشی تو را آلوده می‌کند و بر روی رفتارت تاثیر بدی خواهد گذاشت.
۲- الف (با بیت « کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام » ارتباط دارد.
ب (با بیت « اشتر به شعر عرب، در حالت است و طرب گر ذوق نیست تو را، کژ طبع جانوری » ارتباط دارد.

قلمرو زبانی

- ۱- الف (کلماتی که با عطر تناسب دارند عبارتند از : گل ، بوستان ، خوشبو ، معطر
ب (کلماتی که با کرامت تناسب دارند عبارتند از : بزرگواری ، بخشش ، مروّت ، جوانمردی
۲- ستارهٔ غروب ← (اضافی و ستاره هسته) ، سرور آزادگان ← (اضافی و سرور هسته)
مسافر دیرین ← (وصفی و مسافر هسته) ، ماهی دریا ← (اضافی و ماهی هسته) ،
برترین حماسه ← (وصفی و حماسه هسته)
۳- پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای. (ترکیب روی ما گروه متممی است)
قید/ مفعول/ مضاف الیه/ معطوف به مضاف الیه/ متمم/ مضاف الیه/ فعل

قلمرو ادبی

- ۱- الف (چون سبزه ← تشبیه ، دفتر روزگاران ← اضافهٔ تشبیهی
ب (کشتی‌های صیّادی ← تشخیص (چون که منادا واقع شده است) و تشخیص استعاره هم به حساب می‌آید
ج (بوسه زدن ← کنایه از احترام و قدردانی کردن است
۲- خار ← استعاره از سختی‌ها و رنج‌ها
۳- باران‌ها ← نماد پاکی و شادابی است. ، فصل‌ها ← نماد زندگی است.
۴- « ای کشتی‌های صیّادی که مقاومت پیشه کرده‌اید ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده‌ای »
واژه‌های کشتی ، صیّاد ، ماهی و دریا ← مراعات نظیر
« ای سرزمینی کز خاکت خوشه‌های گندم می‌روید »
واژه‌های خاک ، خوشه ، گندم و می‌روید ← مراعات نظیر

قلمرو فکری

- ۱- ای سرزمینی که قیام تو در برابر ظلم و ستم با انقلاب امام حسین (ع) در صحرای کربلا در ارتباط است.
یعنی این انقلاب آسمانی و معنوی است .
۲- الف) جنوب لبنان
ب) زندگی و حرکت ادامه دارد و پیامبران بسیاری برای هدایت مردم از خاک مقدّس تو برخاستند.
۳- معادل « ای که ردای حسین را بر دوش / و خورشید کربلا را دربر داری / ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی »
۴- به پیروی مردم جنوب لبنان از عقیده و قیام امام حسین (ع) تاکید دارد که در راه هدفشان آماده قیام و شهادت هستند.

قلمرو زبانی

- ۱- ناتانائیل (انسان آرمانی نویسنده ، خداداده) ، تصاحب (مالک چیزی شدن) ، مائده (سفره‌ای که بر آن طعام باشد) معطوف کردن (متوجه شدن) ، تملک (مالک شدن)
- ۲- خداوندا، از تو می‌خواهم که در تمام مراحل زندگی، حافظ من باشی. ای پروردگار بزرگ، کمک کن تا انسانی شایسته باشم. یا رب العالمین، دریاب که جز تو هیچ‌کس دیگری را ندارم که یاری‌ام کند.
- واژه‌های منادا عبارتند از : خداوند ، پروردگار ، رب العالمین و نشانه‌های ندا عبارتند از : « ا » و « ای » و « یا »
- ۳- ناتانائیل ← منادا / من ← نهاد / شور و شوقی ← مفعول

قلمرو ادبی

- ۱- انتظار کشیدن آسمان ← تشخیص / آسمان، سپیده‌دم و ستاره ← مراعات نظیر
- رنگ باختن ← کنایه از ناپدید شدن / غرق در شبنم بودن ← اغراق و کنایه از پر از شبنم بودن است
- ۲- کنایه‌های بند چهارم :
الف) می‌سوزاند ← کنایه از رنج و عذاب می‌دهند
ب) سوختن جان ← کنایه از رنج کشیدن است

قلمرو فکری

- ۱- کمک به ممنوع است. باید انسان‌ها نسبت به یکدیگر مسئول باشند و از کمک به یکدیگر دریغ نکنند.
- ۲- انتظار نباید مطابق هواهای نفسانی باشد و منتظر هر حادثه و پیش‌آمدی باش و نسبت به آن‌ها راضی باش.
- ۳- الف) هرگز هیچ زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده‌ام که بی‌درنگ نخواستته باشم، تمامی مهرم را نثارش کنم.
- ب) اعمال ما وابسته به ماست، همچنان که روشنایی سفر به سفر. راست است که ما را می‌سوزانند، اما بر ایمان شکوه و درخششی به ارمغان می‌آورد.
- ج) خدا در همه‌جا هست، در هر جا که به تصور درآید و نایافتنی است.
- ۴- خدا در همه‌جا هست، در هر جا که به تصور درآید و نایافتنی است.
- ترجمه آیه : « دیده‌ها او را نمی‌بینند و در نمی‌یابند، اما او دیده‌ها را در می‌یابد. »
- ۵- هم سهراب و هم آندره ژید در این عبارت تاکید دارند که انسان‌ها باید نگرش خود را نسبت به پدیده‌های آفرینش تغییر دهند تا همه چیز آفرینش را زیبا و دوست داشتنی ببینند و همچنین تاکید بر مثبت نگری است.
- ۶- تاکید دارد که برای شناخت پدیده‌ها و درک آن‌ها باید به تجربه شخصی رسید و با تمام وجود آن‌ها را حس کرد.